

# مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

نومبر هفتم، سال اول، شماره ۱۱، چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۳۵۸  
تأسیس: ۱۰ تیرماه

امام خمینی گفت:

«...این‌ها یافتند که با همه قدرت و پشتیبانی از شاه که دولت‌های بزرگ مثل آمریکا و انگلستان کردند نتوانستند شاهرا نگه‌دارند. این‌ها وحدت کلمه را احسان کردند. بیشتر علنی بود و آن وجدانی و نسی. از این رو الان قوای خودشان را بیشتر بسیج کرده‌اند تا اختلاف در ایران ایجاد کنند. در کردستان، در بلوچستان، در بین خوزستان به‌پایانهایی می‌خواهند اختلاف بیندازند و همین معنا باعث این است که این‌ها کوشش کنند بین برادران اسلامی وحدت کلمه حاصل نشود...»

(از سخنان امام خمینی در ملاقات با نمایندگان حزب آزادی بخش اسلام)

## یادبود روز شهادت خسرو روزبه را هر چه باشکوه‌تر برگزار کنیم



روز ۲۱ اردیبهشت مصادف است با روز شهادت یکی از درخشان‌ترین چهره‌های انقلابی خلق ایران و یکی از نامدارترین فرزندان حزب توده ایران، قهرمان ملی، خسرو روزبه، که «چه از لحاظ خصایص اخلاقی،

غفت روحی، پاک‌ی و سادگی، و چه از حیث روحیه پرشور انقلابی، و چه از جهت ایمان استوار و تزلزل‌ناپذیر او به پیروزی سوسیالیسم، و روشن بینی امیدوارانه به‌فردای تابناک همه

بقیه در صفحه ۴

## ضد انقلاب باشیوه‌های شناخته شده سر بلند می‌کند

تجربه همه انقلاب‌ها نشان داده است که نیروها و عناصر ضد انقلاب، هنگامی که دیگر هیچ گونه تکیه‌گاهی در میان افشار مردم و گروه‌های اجتماعی و سیاسی ندارند و امیدهایشان برای بازگشت بدوران گذشته و جلوگیری از پیشرفت روند انقلابی به یاس مبدل می‌شود، چهره ضد انسانی خود را آشکارتر می‌سازند و به تبه‌کارانه‌ترین اقدامات، یعنی آدمکشی و ترور متوسل می‌شوند. این عناصر مزدور و مفلوک که با امواج انقلاب از جامعه طرد می‌شوند، به‌عصب می‌کوشند با اقدامات تروریستی در میان مردم رعب و وحشت ایجاد کنند و در میان نیروهای انقلابی تفرقه و ناباوری پدید آورند.

این شگرد هم که جنایت‌کاران ضد انقلاب پس از هر اقدام تروریستی می‌کوشند، با توجه به جو سیاسی موجود، رد پای خود را در میان نیروهای گم کنند که در پیشبرد و تعمیق روند انقلابی بیش از همه پی‌گیرند و در راه بارور کردن انقلاب بیش از همه صادفانه می‌کوشند، شگرد شناخته شده‌است.

ترورهای بی‌دربی سپهبد فرعی و آیت‌الله مرتضی مطهری، که به‌فاصله چند روز انجام گرفت، نمودار اقدامات جنایت‌کارانه ضد انقلابی منظم و حساب شده‌است که به‌وسیله نیروهای ضد انقلاب داخلی و حامیان و گردانندگان امپریالیستی و صهیونیستی آنان انجام می‌گیرد و به‌همین علت هشداریست جدی به همه نیروهای انقلابی.

این جنایت‌های ضد انقلاب، اتخاذ روش‌ها هر چه جدی‌تر وی‌گیرتر را در پی‌جوئی و کشف کانون‌های ضد انقلاب و لزوم وحدت و پیوستگی نیروهای انقلابی را در راه حفظ دستاوردهای انقلاب و تعمیق و پیشبرد آن مبرم‌تر می‌سازند.

ولی به‌رغم این منطقی و قانونمندی روشن انقلابی، هستند کسانی که در نتیجه اسیر بودن در بند پیش‌داوری‌ها و افکار ضد کمونیستی خود، به‌عبد تلاش دارند، عملیات جنایت‌کارانه تروریستی را به نیروهای چپ و کمونیست‌ها نسبت دهند و جو سیاسی را بیشتر متشنج سازند، و این درست همان بهره برداری سیاسی است که بازماندگان رژیم سابق و آدمکشان ساواک و عمال سازمان‌های جاسوسی آمریکا و اسرائیل، پس از هر اقدام تروریستی، در انتظار آن هستند.

در حالی که وحدت بیشتر نیروها و احزاب و گروه‌های سیاسی شرکت کننده در انقلاب و احتراز از ایجاد سوء ظن و بدگمانی و تفرقه در میان این نیروها تنها وثیقه اطمینان بخشی برای حفظ دستاوردها و سرکوب وریشه‌کن ساختن کانون‌های ضد انقلاب است، پس کسانی که به‌خود اجازه می‌دهند نیروهای اصیل انقلابی را در مظان اتهام‌بهرش‌گت در اقدامات تروریستی قرار دهند و با چنین گفتاری دانسته یا ندانسته آب به آسیاب ضد انقلاب و حامیان امپریالیستی و صهیونیستی آن می‌ریزند، چه هدفی را دنبال می‌کنند؟ آیا فکر نمی‌کنند که با این روش، چه بخواهند چه نخواهند، چه آگاه باشند چه نباشند، اتحاد نیروهای انقلابی را تضعیف می‌کنند و به ضد انقلاب سود می‌رسانند؟ چنان‌که در اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران، مورخ ۱۵ اردیبهشت ۱۳۵۸، آمده است: «در پس ترورهای اخیر، تشخیص چهره‌سیاه‌کار سازمان‌های جاسوسی امپریالیستی و صهیونیستی و دستگاه ورشکسته ساواک دشوار نیست... درست همین نیروهای سیاه هستند که می‌کوشند، این شیوه بربرمنشانه را به‌نیروهای چپ و به‌کمونیست‌ها نسبت دهند و بدین ترتیب با یک‌تیر دو نشان بزنند: هم این توطئه را از خود دور کنند و هم نیروهای چپ و کمونیست‌ها را متهم سازند...»

عناصر و نیروهای که به حفظ دستاوردها و پیشبرد انقلاب صادفانه علاقه‌مند و در آن ذینفع هستند، در پی هر اقدام خرابکارانه از سوی ضد انقلاب، موظفند با قاطعیت و صداقت بیشتری در راه وحدت نیروهای انقلابی و بالا بردن سطح آگاهی انقلابی و جلوگیری از هر گونه گفتار و رفتاری که موجب تفرقه و بدگمانی میان این نیروها گردد، بکوشند و تمام نیروی خود را برای کشف و ریشه‌کن ساختن کانون‌های ضد انقلابی و تروریستی به‌کار برند. زیرا همان‌طور که در اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران تأکید شده‌است: «جامعه ما به «وحدت کلمه» به اتحاد همه نیروهای انقلابی علیه دشمن اصلی و دیرین خود، امپریالیسم و ارتجاع، نیاز دارد و تنها این شیوه است که می‌تواند انقلاب را بازگشت ناپذیر کند.»

## من ۲۱ سال پیش، فریاد «مرگ بر شاه»، را، از دهان خسرو روزبه، در میدان تیر حشمتیه شنیدم

### مصاحبه رفیق نورالدین کیانوری با خبرنگار خبرگزاری رویتر

رویر ۱۳ اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۸، رفیق کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، با ریچارد وایس، خبرنگار خبرگزاری رویتر در تهران، مصاحبه‌ای کرد که از نظر اهمیت مسائل مطروحه، در زیر خلاصه‌ای از آنرا به‌اطلاع خوانندگان گرامی می‌رسانیم.

پرسش: حزب شما چطور اجازه فعالیت قانونی به‌دست خواهد آورد؟

پاسخ: حزب ما قانونی است، برای این‌که هرگز قانونی برای غیرقانونی کردن حزب وجود نداشته است. در سال ۱۹۴۹ (۱۳۲۷) فعالیت غیرقانونی به‌حزب تحمیل شد و این خود عملی غیر قانونی بود.

پرسش: آیا حزب شما قوی‌تر و یا ضعیف‌تر از زمانی است که در اوج قدرت بود؟

پاسخ: ارزیابی در این مورد دشوار است، چون حزب، پس از ۳۵ سال فعالیت مخفی، تازه به‌فعالیت علنی پرداخته است. حزب باید یک تا دو سال صبر کند تا بتواند قدرت واقعی خود را بسنجد. ولی من درباره قدرت حزب خوشبینم. من امیدوارم که کنگره حزب هر چه زودتر در ایران تشکیل شود. برخی از اعضای رهبری حزب هنوز در خارج از کشور به‌سر می‌برند، ولی آماده‌اند که هر چه زودتر به‌ایران بازگردند.

پرسش: عقیده شما درباره گسترش آنتی کمونیسم در میان هواداران اسلام، که تظاهر آن در شمارهای ضد توده‌ای در مراسم سوگاری مطهری دیده شده، چیست؟

بقیه در صفحه ۴



آقای محمد خیبری، سرهنگ بازنشسته، هنگام گفتگو با خبرنگار «مردم»

آقای محمود خیبری، سرهنگ بازنشسته ارتش، هنگام تیرباران خسرو روزبه، قهرمان ملی ایران و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، امرکشیک پادمان حشمتیه بوده‌اند. ایشان خاطرات و مشاهدات خود را درباره خسرو روزبه، به‌ویژه هنگام تیرباران این رادمرد بزرگ، طی مصاحبه‌ای در اختیار خبرنگار «مردم» قرار داده‌اند. با سپاسگزاری صمیمانه از ایشان، مهم‌ترین نکات این مصاحبه را به‌اطلاع خوانندگان گرامی می‌گذاریم.

پرسش: چه انگیزه‌ای باعث شد که شما درباره تیرباران خسرو روزبه، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، به‌روزنامه آیندگان نامه بنویسید؟

پاسخ: من افسری بوده‌ام شاه‌دوست. زمانی که شنیدم مامورین

بقیه در صفحه ۴

## شگرد تبلیغاتی امپریالیسم

امپریالیستی و استقلال‌طلبانه خود ما، روی سخن ما در این مقال با آن‌ها نیست که این اصطلاحات را دانسته و از روی غرض به‌کار می‌برند و رواج می‌دهند. آن‌ها به‌دنبال هدف‌های خود می‌روند و توضیح مطلب برای آن‌ها بی‌فایده است. ولی به‌آن‌ها می‌باید که این اصطلاحات را بدون تمیق، نادانسته و از روی به‌اصطلاح احساسات به‌کار می‌برند، می‌توان سخن امپریالیسم در مبارزه علیه سوسیالیسم، به سود امپریالیسم آمریکا در مبارزه علیه اتحاد شوروی، علیه جنبش‌ها و انقلاب‌های آزادی‌بخش ملی، نظیر انقلاب ضد

اشخاص معینی به‌عبد و از روی غرض و نیز افرادی نادانسته و از روی کم‌اطلاعی، اصطلاحاتی را در خلال برخی نوشته‌ها، ضمن برخی نطق‌ها و یا به‌شکل شماره‌ها به‌کار می‌برند، از قبیل «امپریالیسم سرخ و سیاه»، «استعمار شرق و غرب»، «دو ابرقدرت»، «متلک امپریالیسم صهیونیسم، کمونیسم و نژادپرستان‌ها». این اصطلاحات ابزار تبلیغاتی زهرآگینی است، به‌سود امپریالیسم در مبارزه علیه سوسیالیسم، به سود امپریالیسم آمریکا در مبارزه علیه اتحاد شوروی، علیه جنبش‌ها و انقلاب‌های آزادی‌بخش ملی، نظیر انقلاب ضد

بقیه در صفحه ۴

## خط مشی سیاسی است، نه «نیرنگ»، نه «مانور»

حمایت حزب توده ایران از خط‌مشی امام خمینی در دوران جنبش انقلابی کنونی ایران، به‌نظر برخی‌ها، که همیشه درباره این حزب دچار «سوء تفاهم» هستند، به‌یک مانور سیاسی و حتی به‌یک نیرنگ سیاسی تعبیر می‌شود!

می‌گویند: چگونه حزبی که جهان‌بینی خود را مارکسیسم-لنینیسم و خودرأحزب طراز نوین طبقه کارگر ایران می‌شمارد، از یک رهبر روحانی، که با پرچم‌آینده‌نویزی اسلامی وارد عرصه مبارزه شده، می‌تواند حمایت کند؟

اگر این افراد لحظه‌ای می‌اندیشیدند، می‌توانستند به‌سخت و اصالت و سرشت عمیقاً خلقی و میهن پرستانه و درعین‌حال خردمندانه و واقع‌گرایانه این مشی سیاسی پی‌ببرند، ولی یا نمی‌خواهند بیاندیشند یا نمی‌توانند مسئله را به‌درستی حل کنند. حزب توده ایران در طرح این مشی سیاسی خود، هرگز چهره سیاسی و طبقاتی خود را پنهان نکرده، و درست به‌خاطر دفاع بی‌کبر از این چهره است که به‌طوری سه‌هفت سال حیات پررنج خود، متحمل عذاب‌های فراوان شده و قربانیان بسیار داده است و کماکان خصومت امپریالیسم و ارتجاع را علیه خود برمی‌انگیزد.

حزب توده ایران این خط‌مشی را برای کسب «سود و مزایا» دنبال نمی‌کند و در

بقیه در صفحه ۴

## کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

هموطنان! رفقا و دوستان!

حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، پس از سی‌سال مبارزه در شرایط دشوار مخفی، فعالیت علنی و قانونی خود را آغاز کرده است. لازم به‌تأکید نیست که اکنون وظایف سنگینی در مبارزه به‌خاطر تحکیم دستاوردهای انقلاب و نوسازی جامعه ما در برابر حزب قرار دارد. انجام این وظایف از جمله به‌قدرت مالی حزب وابسته است. لذا کمک مالی به‌حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است. فداکاری‌های اعضای هواداران و دوستان حزب در این زمینه در گذشته غرورانگیز است. اکنون نیز ما اطمینان داریم که اعضا هواداران، دوستان و همه کسانی که به‌پیروزی نهایی و قطعی انقلاب ایران صادفانه علاقه‌مندند، به حزب طبقه کارگر ایران یاری خواهند رسانند.

کمک مالی را می‌توان مستقیماً به‌دفتر حزب داد و یا با تلفن ۴۳۷۲۳۸، ۴۳۴۴۵۹ - آموادگی خود را اعلام داشت. از طرف دفتر حزب ترتیب دریافت کمک داده خواهد شد. علاوه بر این علاقه‌مندان می‌توانند کمک مالی خود را به‌حساب بانکی زیرین بپردازند: شماره حساب بانکی: ۴۳۴۳، شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران، (شعبه شاه اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی (ایران نوین سابق).



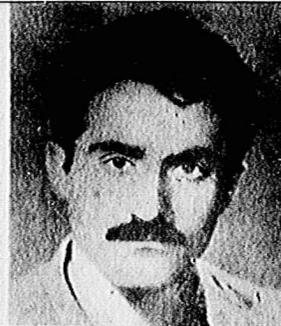


# بی برنامه گی به سود ضد انقلاب است

## ضرورت داشتن برنامه مشخص دولتی و بسیج مردم متحد برای اجرای آن

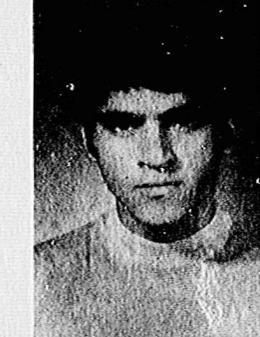
تحکیم انقلاب ما نیاز به کار جدی و سریع و فعالیت طبق برنامه و دقیق دارد؛ چرا که ضرورت حیاتی دارد ضدانقلاب را خلع سلاح کرد، یعنی بیانه ها و حرفه های عتس را که از جمله از بی برنامه گی دولت و امروز و فردا کردن حاصل می شود، از گرفت و در مقابل به توده های مردم، که وجود و حاشی انقلاب، انگیزه های لازم را برای بسیج و تحرک آنها کرد. هم اکنون یکی از مشکلاتی که انقلاب ما با آن روبرو است، همین بی برنامه گی یا بیایام در برنامه و راه و روش دولت است. در آغاز انتصاب دولت آقای بهمنیس بازرگان، یک برنامه شش ماهه ای اعلام گشت که مضمونش انتقال قدرت و اجرای رفراندوم و تدوین قانون اساسی و تصویب آن در مجلس مؤسسان و سپس انتخابات و تشکیل مجلس شورای ملی بود و نه پیش. اما در عمل، البته کشور را باید گرداند و برای گردش امور کنترولی که دارای اقتصادی و معیشت و بافت اجتماعی نسبتاً تکامل یافته ای است، هر قدر هم دولت بوقت باشد، یک برنامه عمل لازم است. ماده اول برنامه اعلام شد، یعنی رفراندوم، نسیه در صفحه ۵

# یاد دوشهید



رفیق شهید، حسین حریری اصلی، دانشجوی اخراجی سال آخر دانشکده فنی، عضو کمیته شهرستان تهران سازمان جوانان توده ایران بود. او قبل از دستگیری، در قسمت لوله کشی تأسیسات شوفاژ و آب رسانی شرکت جنرال مکانیک مشغول کار بود و به نمایندگی کارگران لوله کشی در شرکت مزبور نیز انتخاب شد.

حسین حریری، در اسفندماه ۱۳۳۴ در تهران دستگیر شد و بلافاصله زیر شکنجه دزخیمان پهلوی، از جمله گروه های سابق شکنجه گر منقور، قرار گرفت و در فاداری به آرمان تودای خود، زیر شکنجه به شهادت رسید. یادش گرامی باد!



رفیق شهید مجید ضابطیان، در سال ۱۳۳۴ در خانواده متوسطی در مشهد بدنیا آمد. در سال ۱۳۵۶، زمانی که سال چهارم تحصیل خود را در مدرسه عالی ریاضیات و مدیریت اقتصادی کرج می گذراند، به حزب توده ایران پیوست. او که همواره آماده فعالیت در راه آرمان های حزب بود، در آبانماه ۱۳۵۷، هنگامی که برای پیش تشریح و شرکت در مراسم استقبال از مجاهد بزرگ طاهر احمدزاده، به مشهد رفته بود، در بازگشت به تهران، در یک حادثه رانندگی جان سرد. خاطر داش گرامی باد!



روز ۲۱ اردیبهشت، بیست و یکمین سالگرد شهادت روزی، تهران ملی ایران و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران است. خور روزی، با تمامی فعالیت های در راه استقلال و آزادی ایران، در راه آرمان های حزب توده ایران، در هفته خرداد سال هفدهم اردیبهشت، تهران ملی ایران، در روز ۱۹ اردیبهشت آستانه در محبتی بهار آزادی، امضا نمودار و دوسال در راه و همه مبارزان راه استقلال و آزادی ایران، بر سر جبهه روزی، این فرزند قهرمان خلق ایران، مسور خواهد یافت و یادش را گرامی خواهیم داشت.

محل تولد: بهشت زهرا، پلاک ۶، ردیف ۱۲۵، شماره ۴۴  
محل تولد: ۱۱ صبح روز جمعه، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۵۸

# احسان طبری گل پولاد

بازای گرمه بتاز  
بر سر همزه من، کودک من،  
خواهر من،  
بازای بوسه شلاق بیوس  
کونوه دختر من،  
داغ گذار

بردل مادر من،  
تا شکوفا شود از داغ سیه روز سپید  
تا که اشکی نچکد، رحم بمبرد جاوید،  
باز بر نفس رفیقان من ای دیو بر نفس  
دستر نوح هبه یاران تو به تاراج ببر  
شعله در دفتر آموختنی ها در کش  
باسم اسب تن شهر بر آشفته بکوب  
هر چه خواهی بکن ای مستی بیگانه  
با ساشاگر رفص تو و بیبانی من  
راز تلخی که ندانسته، بداندا کنون،  
چون اگر نقش ستم بر رخ یاران بنوش  
تو رنگ گرمی که بهر چهره دودید  
رنگ ترسی که ندید  
سر مغرور رفیقان که شکست،  
نشکسته است غروری که در اوست  
هر چه دژ خیم سر راه گرفت،  
ره فردا که نبست،  
با هجوم تو و غارتگری شد آزاد،  
هر کبابی که تش در ففس جوین بود،  
آشامی ز رفیقان من از سوخته شد،  
برگ آتش خور آتش در جان،  
برگ بادآور بر باد نشین،  
بشتر شعله زند خانه پوشالی تو  
دیدنی آخر تو که در کشکش نیزه و  
چشم،  
برق چشمان رفیقان همه جا کور نمود،  
برق سرنیزه یاران تورا  
هر چه یک اختر تابنده نبیند دیگر  
سحری را که به راه است به راه  
هر چه آن دختر بی چشم بدل می بیند،  
بس از این سایه چین خورده سیه ای  
پدر  
لک کور است تو را دیده امید هنوز  
ورنه در پهنه نیلی شب ملت من  
می دیدی  
کاب همه اختر جاوید درخشنده که  
هست،  
پاسدار سحر است!  
باز ای گرمه خونخوار بتاز  
روی این مزرعه سبز جوانی و نشاط  
روی این سفره رنگین حیات  
زیر و رو کن همه هستی ها  
کینه در کام زمین های عطش کرده  
چون ندانی که اگر خشم بروید  
روزی  
روی این دشت بزرگ  
گل آن نیست گلی، که درو بتوان کرد  
کس نجیبه است آتش  
کس نهانباشته طوفان درهشت  
هیچکس خوشه خورشید نکرده است  
درو  
گوش میدار که باز از دل آن ویرانه  
از بر خانه مخروبه صلح  
از پس و سرد بشکسته کانون جوانان  
دلیر  
ازین هر دل آشفته بر آید آواز  
ونه آواز، سرود  
بانگ بیناد جهانی بهتر  
غرش فتح دگر باره سراننده و پراوتر  
که بر آید باد درود  
آهن تفته نباشد دل بیدار  
که هست  
گل پولادی در کام خطر یافته آب  
نیست آن گل گل رویانی به تپا پسند  
نیست آن گل گل گلدانی بر جوی نشین  
هست این گل گرداب رو توفان زان  
گل افروخته آتش خیز.  
ریخت باران و نهی شد دل آن ابر  
گران  
آسمان در دل خود زاد هزاران  
خورشید  
روی گهواره رنگینه گمان  
پرچم صلح سپید،

# دورنماهای همکاری ایران و شوروی

از: پی. دمچنکو  
عنوان هیئت تحریریه و خبرنگار پروادا  
۱۲ آوریل ۱۹۷۹، پروادا

مربوط به تاریخ را یادآوری کنیم. انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر بهار تلاش برای توسعه میدان های نفوذ دربارهای از کشور های آسیا و از جمله ایران پایان داد. دولت شوروی قراردادهای محرمانه ای را نقض کرد. حقوق خود مختاری ملت ها را نقض می کرد، در معرض آگاهی مردم قرار داد و خط مشی قدرت های امپریالیستی را به جهت آگاهی تمامی مردم جهان افشا کرد. یکی از نخستین اسناد دولت شوروی، به ریاست و. ای. لنین، پیام «به تمامی مسلمانان زحمتکش روسیه و شرق»، در ۲۵ نوامبر سال ۱۹۱۷، حاکی است که «قرارداد تجزیه ایران ملنی و ابطال می گردد و مناسبات جدیدی با همسایه جنوبی ما آغاز می شود».

بیرونی انقلاب ضد سلطنتی و برقراری جمهوری در ایران، تغییرات وسیعی را در خط مشی های خارجی و داخلی سبب شده است. نخستین تصمیمات و تدابیری که از جانب شخصیت های جمهوری خواه به مرحله اجرا گذاشته شده است، نشان می دهد که ایران مهم است سیاست مستقلی را در امور بین المللی متببق کند و به ملت هایی که به اصول عدم تعهد عمل می کنند، پیوند و در کنار ملت هایی که علیه امپریالیسم و به خاطر آزادی و استقلال خود مبارزه می کنند، قرار گیرد. تغییرات سیاسی که در حال حاضر در ایران در جریان است، فرصت های شایان توجهی را در زمینه توسعه مستمر و بسط مناسبات شوروی و ایران ارائه می کند. به واقع است که امروز، باره ای حتماً

کارمند تولید را در خود کرد آورد. اس. ناگفته روشن است که طی سال های اخیر رژیم شاه، موفقیت غیر عادی و متناقضی بر این مناسبات حاکم بود؛ اگر چه پیوند های بازرگانی و اقتصادی بین اتحاد شوروی و ایران رشد میکرد و در ۱۹۷۲ حتی قراردادی برای بسط چنین همکاری از این سال امضا شد، معالوفت «بیچیک» از اینها با بهبود مناسبات سیاسی همراه نبود. علاوه بر این، حکومت ایران همیشه از خط مشی و سیاست غیر دوستانه ای نسبت به اتحاد شوروی تبعیت می کرد. مواضع هر دو کشور در مورد موضوعات مختلف بین المللی غالباً با یکدیگر هماهنگ نبودند.

در سال ۱۹۵۵، ایران بهیمان بغداد (بعد ها سنتو) پیوست، در در حقیقت شامل توافقی نظامی با ایالات متحده برای ایجاد پایگاه هایی در خاک خود به منظور جاسوسی پنتاگون علیه اتحاد شوروی بود. نظامی کردن کشور، با مشارکت و مداحی ایالات متحده و بحساب مردم و مداحی ایران، در تحلیل نهائی، اقدامی علیه اتحاد شوروی به شمار می آمد. طبیعی است که چنین اقداماتی که به مسوم ساختن فضای سیاسی منجمد با بسط تبلیغات شامخوای با ایجاد خصومت و دشمنی نسبت به مردم شوروی منتهی می گردید.

در سال ۱۹۶۵، ایران اعلام شد است، اقداماتی اتخاذ گردیده، تا به سلطه امپریالیسم امریکا خاتمه داده شود؛ پایگاه های نظامی پنتاگون منحل شده، کشور از سنتو خارج و حمایت از ملت های که علیه امپریالیسم، منهیونیسم و نژادگرایی مبارزه می کنند و وابستگی به اصول هژمونیستی امپریالیست اعلام شده است. هم این موارد، حوزو میدان همبستگی علاقی سیاسی اتحاد شوروی و ایران را در منحن بین المللی گسترده تر می سازد و مناسبات فی مابین کشورهای مارا، بر اساس حسن همجواری کامل، امکان پذیر می سازد. اتحاد شوروی با علاقه مندی و رنسانیت خاطر کامل تغییرات حاصل در ایران را در دنیای می کند و آماده است تا به هر کوششی برای بهبود پیوندهای شوروی و ایران اقدام کند.

اتحاد شوروی همیشه نسبت به مردم ایران و مسائل و مشکلات و علائق هم چنین نسبت به مبارزه های برای آینده بهتر، احساس جانبداری داشته است. اتحاد شوروی به نحو قاطعی از انقلاب ایران حمایت کرده و نسبت به عدم مداخله در امور داخلی ایران هتدار داده است. طبعاً خود او نیز در آن امور مداخله نکرده و هرگز چنین تمایلی نیز نداشته است، و این باورشست ملحدوستی خدمت می خارجی این کشور هماهنگ است.

اینک نیز، پس از پیروزی انقلاب ایران، اتحاد شوروی آماده است تا حد اکثر کوشش خود را برای تقویت و بسط هر چه بیشتر مناسبات ایران و شوروی به عمل آورد.

# دادگاه های انقلابی و پاسداران انقلاب از مهم ترین وسایله های سرکوب ضد انقلاب اند

هر روز که از پیروزی تاریخی انقلاب ضد امپریالیستی، دمکراتیک و خلقی مردم میهن ما می گذرد، اهمیت و نقش دادگاه های انقلابی، که برای مجازات خائنان به خلق، به دستور رهبر انقلاب امام خمینی، تشکیل شدند و نیز پاسداران انقلاب، که برای پاسداری از دستاوردهای انقلاب سازمان یافتند، بیشتر آشکار می شود. نخستین ضربه های نیرومند انقلاب، کاخ استبداد رژیم وابسته به امپریالیسم را واژگون ساخت و شیرازه سازمان ارتش ضد ملی و سازمان جهمی ساواک را از هم گسیخت؛ این نخستین ضربه به جان پرتوان و پر شتاب برپیکر رژیم ضد خلقی وارد آمد، که حتی حامیان امپریالیستی و سازمان های جاسوسی و خراب کاری آنان را سرکوب کرد و از قدرت تصمیم گیری ساقط نمود. تشکیل دادگاه های انقلابی و احکام انقلابی صادره از جانب آنها، که عده ای از مؤثرترین عاملین رژیم ضد خلقی و امپریالیسم امریکا را در ارتش و دستگاه های دولتی به جزم به تبارک ها و جنایتان به جوخه آتش سپرد، در راه ریشه کن کردن کانون های ضد انقلابی نقش بسیار مهم و مؤثر داشته و دارند.

هر چه فعالیت و احکام انقلابی و عادلانه این دادگاه ها، با «انفندانی» از جانب محافل امپریالیستی در زیر نقاب حقوق بشر» کدانی و مقاومت های از جانب آن نیروهای داخلی، که در بسط و تعمیق انقلاب ذینفع نیستند، روبرو گردید، اما نقش رهبری انقلابی امام خمینی و توده های میلیونی شرکت کننده در انقلاب تاکنون بر این موانع نافی آمده است.

امروز ضد انقلاب در درون کشور و محافل امپریالیستی و منهیونیستی خاصی آن در خارج کشور، پس از ضربات کجی کننده نخستین روزهای پیروزی انقلاب به خود آمده اند، و با فعالیت ضد انقلابی هم آهنگ و گسترده خود دستاوردهای

انقلاب مردم ما را به تندی و در هر جنبه قربانی و فداکاری همه نباتات و افسار خلق های میهن ما حاصل گردیده، با خطری جدی روبرو کرده اند. وقایع کینه، سنج نقد و نقد که مستقیماً از جانب نیروهای ضد انقلاب و با حمایت و هدایت خرابکاران حرفه ای امریکا و اسرائیل سازمان داده شده، ترورهای ناجوانمردانه شهید قرنیه و استاد ابوالله مرتضی مطهری، همه اینها نمونه های بارزی از سر برداشتن ضد انقلاب و هم آهنگی فعالیت های جنایت کارانه آن است.

امروز اکثریت کسانی که در دوران رژیم ضد خلقی در ساواک، ارتش، شهربانی و ژاندارمری مقام های مهم و مؤثری داشتند و تنها به علت نداشتن شرکت مستقیم در سرکوب و کشتار نیروهای انقلابی دستگیر نشده و به دادگاه های انقلابی تسلیم نشده اند، با یکدیگر در ارتباطند و شاید عده کثیری از آنها نیروی ذخیره ضد انقلاب فعال و گروه های تروریستی آن را تشکیل می دهند. در چنین شرایطی منافع پشرفرت و تمسح انقلابی ایجاد می کند که در فعالیت دادگاه های انقلابی، نه تنها وفقای ایجاد نگردد و در درستی و اهمیت نقش آنان کوچک ترین تردیدی راه داده نشود، بلکه این فعالیت هر چه با طبع تر و گسترده تر اعمال گردد، این پاسداران انقلاب هستند که در شرایطی که هنوز در ارتش و سایر ارگان های نظامی تحول انقلابی انجام نگرفته و به نیروهای ضد در صد اسیل ملی و حافظ انقلاب تبدیل نشده اند، باید بر فعالیت و حیاری خود در پیچونی عناصر ضد انقلابی و عساکر ساواک و حفظ و حر است دستاوردهای انقلاب بپزایند، هر گونه اقدام و فعالیت ضد انقلاب را سرکوب سازند، تا برای حفظ دستاوردهای انقلاب و پیشبرد و تعمیق انقلاب تمسین های اطمینان بخش بوجود آید.

ازین هر دل آشفته بر آید آواز  
ونه آواز، سرود  
بانگ بیناد جهانی بهتر  
غرش فتح دگر باره سراننده و پراوتر  
که بر آید باد درود  
آهن تفته نباشد دل بیدار  
که هست  
گل پولادی در کام خطر یافته آب  
نیست آن گل گل رویانی به تپا پسند  
نیست آن گل گل گلدانی بر جوی نشین  
هست این گل گرداب رو توفان زان  
گل افروخته آتش خیز.  
ریخت باران و نهی شد دل آن ابر  
گران  
آسمان در دل خود زاد هزاران  
خورشید  
روی گهواره رنگینه گمان  
پرچم صلح سپید،